

بهرز سورن: باز هم گنه کرد در بلخ آهنگری



درماندگی حکومتگران و سود جویان مناسبات سرمایه داری حاکم بر کشورمان که مولود فقر و فلاکت و امواج بیکاری میلیونی در کشورمان هستند قطعاً به تنش هائی هر چند موجود از جنس فرهنگی و اجتماعی میان مردم کشورمان با مهاجرین گسترده افغانی، در میان بخش های ناآگاه جامعه دامن میزند. آتش بیار این تنش همان حکومتیان و مزدورانشان و سرمایه اندوزانی هستند که امواج خشم و کینه بیکاران و محرومان به مناسبات ناعادلانه موجود را به بیراهه می کشند و به کشمکش میان پائینی ها (محرومان) مبدل میسازند و بدین طریق خود را از تیر رس آنان خارج می سازند.

.....

اخبار روزهای پیشین حاکی از هجوم سازماندهی شده اوباشان جمهوری اسلامی به خانه و کاشانه مهاجرین شریف و زحمتکش افغان و سوزاندن منازل دهها مهاجر بود. افغانهای مهاجری که زیر خط فقر و در کلبه های حقیر خود مورد تهاجم مزدوران رژیم قرار گرفتند.

معاون سخنگوی وزارت خارجه افغانستان میگوید که: (در پی حمله شهروندان ایرانی به خانه های مهاجران افغان در یزد، نزدیک به دویست خانواده متضرر شده اند.)

این ارقام خود گویای سازماندهی گسترده و سیستماتیک حکومتی این تهاجم وحشیانه بدست مزدورانش بوده است .

گفته شد که آتش خشم مردم! پس از شنیدن تجاوز هولناک جمعی و قتل دختر جوان ایرانی محرک احساسات مردم! یزد بوده و این حوادث را بدنبال داشته است. قطعاً خواندن ماجرای چگونگی تجاوز و سپس قتل این دختر جوان و پیدا شدن جسد وی در چاه منزل آنان، قلب و احساس هر انسانی را بدرد خواهد آورد و همگان را به اندیشه مجازات عاملین این حادثه خواهد انداخت.

این حادثه و پیامدهای آنرا قطعاً نمیتوان بشکل مجرد تجزیه و تحلیل کرد بدون آنکه در نظر داشته باشیم که فرهنگ مردسالارانه تحمیلی مردان حکومتگر کشورمان، بطور سیستماتیک به جامعه تزریق میشود و جنس مرد

در آن جامعه دست‌های بسیار بازتر و بالاتری برای تحقیر و تجاوز بی عقوبت به حقوق فردی زنان در ایران بجای گذاشته است. هم از اینرو و در پی مقاومت این نیمه انسانی بسیاری از فعالین جنبش زنان ایران در زندان هستند.

زمانی که میدانیم فرهنگ اشاعه شده حکومتگران اسلامی حقوق ابتدائی زنان کشورمان را در بسیاری از عرصه های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به سخره می گیرد، سپس میتوانیم زمینه ها و بستر اینگونه رویدادها را تجزیه و تحلیل کنیم. سنگسار زنان، محرومیت های شغلی زنان در مقایسه با مردان، قوانین رسمی و شرعی درباره چند همسری مردان، قوانین ارثی دوبرابر برای مردان در مقابل زنان، موانع عدیده برای حضور سیاسی اجتماعی فرهنگی زنان در مناسبات موجود و ... از مواردی هستند که پیش از قضاوت در برابر زشتی های موجود از جمله تجاوز و قتل دختر جوان، میبایستی مورد بررسی قرار گیرد.

این نمونه واقع شده قطعا زشت، پلید و عاملین آن مستحق مجازات هستند. نه تنها در ایران که در دنیای پیشرفته و مترقی نیز چنین حوادثی جنجالی میشود و دادگاه علنی آنها پیش چشم شهروندانشان قرار میگیرد، رسانه های عمومی سرتیتر خود را بدان اختصاص میدهند و افکار عمومی را نیز بدین ترتیب به قضاوت می گیرند. مجرمان نه به دلیل ملیت و نژاد خود بلکه بعلت اقدام مجرمانه خود به دادگاه سپرده و محکوم میشوند. حال آنکه جمهوری اسلامی با ارسال اشرار خود برای آتش زدن منازل افغانی های ساکن ایران، کلیت این جامعه را مورد تهاجم خود قرار داده است.

درماندگی حکومتگران و سودجویان مناسبات سرمایه داری حاکم بر کشورمان که مولود فقر و فلاکت و امواج بیکاری میلیونی در کشورمان هستند قطعا به تنش هائی هر چند موجود از جنس فرهنگی و اجتماعی میان مردم کشورمان با مهاجرین گسترده افغانی، در میان بخش های ناآگاه جامعه دامن میزند. آتش بیار این تنش همان حکومتیان و مزدورانشان و سرمایه اندوزانی هستند که امواج خشم و کینه بیکاران و محرومان به مناسبات ناعادلانه موجود را به بیراهه می کشند و به کشمکشی میان پائینی ها (محرومان) مبدل میسازند و بدین طریق خود را از تیر رس آنان خارج می سازند.

دو پاراگراف از یکی از حمله کنندگان به مهاجرین افغانی را که از طریق نامه رسیده است مشاهده می کنید:

باسلام از این واقعه خیلی تعصب دارم افغانها در یزد پروشیدن و تصمیم گرفته شده کلیه افغانیها از یزد باید خارج شوند در غیر این صورت بدتر از این بر سرشون می اید پاهمه چیزش وایسادیما ما مثل بقیه شهر ها نیستیم

همین که میبینید هست ارازل و اوباش هم شماها هستید هرچی افغانی هست باید یزد را ترک کند که بدتر از اینها بر سرشون می اید با یزدی ها باید شوخی کرد هرچی هیچی نگفتیم شما افغانیها بدتر کردید ضرب و مثل است که می گویند بادم شیربازی نکن پاهمه چیزش هم وایسادیما اگر افغانی دیدم شخصا زیر ماشینش می کنم

صرفنظر از اینکه این فرد قطعا تعلق فکری و عملی به دستجات هرز و مزدور جمهوری اسلامی دارد اما میتوان تمایلات فاشیستی و فرهنگ ضد افغانی القاء شده از سوی رژیم (به بیراهه بردن خشم محرومان) را در لابلای آن مشاهده کرد. هجوم وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی به این مهاجرین و ارتکاب قتل و جراحت همه قضایا نیستند. بر طبق گزارشاتی که تا کنون منتشر شده بخش بزرگی از این خانواده ها متواری شده اند. خانه اقوام و آشنایان، بیابانها و مکانهای دیگر.

از سوی دیگر شایعات و گزارشاتی منتشر شده است که در برخی از مناطق فروش مواد غذایی به آنان ممنوع شده است.

مسئله تجاوز و قتل و حوادث هولناکی از این دست، بخشا مولود فقر و عقب ماندگی فرهنگی است. این معضل به هر حال در تمامی نقاط جهان موجود است صرفنظر از ملیت و نژاد قاتل یا متجاوز. تحریکات موجود از سوی جمهوری اسلامی که روانه کردن مزدوران خود را برای به آتش کشیدن منازل مهاجرین همراه با ساکنین آن (واکنش عمومی مردم میخواند) مجازاتی است علنی که برای کلیت این مهاجرین شریف و زحمتکش پیش از برگزاری محاکمه عادلانه دو قاتل و متجاوز به دختر جوان، صورت میگیرد.

چنانچه در برابر این اعمال ناپستیم و قاطعانه این اقدامات وحشیانه رژیم و مزدورانش را محکوم نکنیم در آینده شاهد فجایعی دیگر در قبال این مهاجرین شریف و زحمتکش در نقاط دیگر خواهیم بود.

6.7.2012

sooren001@yahoo.de